

## سنجدش رابطه بین محل سکونت و انحرافات اجتماعی مطالعه موردی: محلات حاشیه نشین و غیر حاشیه نشین شهر آران و بیدگل

دریافت مقاله: ۸۹/۵/۱۷ پذیرش نهایی: ۸۹/۸/۲۸

صفحات: ۷ - ۲۷

محسن شاطریان: استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه کاشان<sup>۱</sup>

Email:shaterian@kashanu.ac.ir

امیر اشنویی: کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه یزد

Email:amir.oshnooi@gmail.com

محمود گنجی پور: کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه زنجان

Email:ganjimahmood@gmail.com

### چکیده

در دوران معاصر، گسترش شهرها، رشد جمعیت شهرنشین و افزایش تضاد و نابرابری‌های اجتماعی موجب انحرافات و کجروی‌های اجتماعی و حاشیه نشینی شده است. با این وجود، در همه ادوار تاریخی میزان و نوع رفتارهای منحرفانه گروههای اجتماعی ثابت و به یک اندازه نبوده است. همچنین، مناطق و محلات شهری از نظر پراکنش جغرافیایی آسیب‌های اجتماعی، چهره‌ای یکدست و هماهنگ از خود نشان نمی‌دهند. هدف تحقیق حاضر سنجدش رابطه بین محل سکونت و انحرافات اجتماعی در شهر آران و بیدگل می‌باشد. روش تحقیق از نوع استنادی و پیمایشی است. جامعه آماری تحقیق را کلیه خانوارهای ساکن در شهر آران و بیدگل تشکیل می‌دهند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۰۰ نفر تعیین گردید. برای محله حاشیه نشین یحیی آباد تعداد ۱۵۰ نفر و محلات غیر حاشیه نشین نیز ۱۵۰ نفر انتخاب و به صورت تصادفی مورد پرسش گردی قرار گرفتند. نتایج آزمون  $T$  تفاوت میانگین‌های دو متغیر محل سکونت پاسخ گویان و انحرافات اجتماعی را نشان می‌دهد. تفاوت مشاهده شده در بین دو گروه، به لحاظ آماری با توجه به  $t = -3/162$  (sig = 0.002) معنادار است. همچنین نتایج آزمون واریانس دو متغیره نشان می‌دهد که عملکرد متقابلی میان نوع

۱. نویسنده مسئول: کاشان، کیلومتر ۵ بلوار قطب راوندی، دانشگاه کاشان، دانشکده علوم انسانی، گروه علوم اجتماعی، تلفن: ۰۹۱۳۳۶۱۹۵۷۱.

محل سکونت، وضعیت کالبدی، سطح سواد، میزان درآمد و پایگاه اقتصادی- اجتماعی در میزان گرایش به انحرافات اجتماعی وجود دارد.

**کلید واژگان:** حاشیه نشینی، انحرافات اجتماعی، محل سکونت، شهر آران و بیدگل

#### مقدمه

از دیرباز و در همه تمدن‌ها، شهرنشینی یکی از مشخص‌ترین نمود تکامل جوامع انسانی بوده است (Montgomery, Stren & Cohen, 2003: 75). با شروع انقلاب صنعتی و به دنبال آن گسترش شتابان شهرها، جوامع انسانی ساکن در آن‌ها با مشکلات فراوانی مواجه شدند (Amy and Mark, 2005: 51) در این میان، شهرگرایی، موجب تغییر مکان کار جمعیت از نواحی روستایی به نواحی شهری شد (Henderson, 2003:3). در واقع هجوم روستاییان به شهرها حاصل عدم تعادل و نابرابری‌ها بین شهر و روستا بوده است. به عبارتی می‌توان گفت حاشیه نشینی مولود ناخواسته همین نابرابری‌هاست. حاشیه نشینی به موقعیتی از نابرابری اطلاق می‌شود که در آن طبقات مسلط اقتصادی- سیاسی به طور منظم و مداوم گروه‌ها و طبقات تحت نفوذ حاکمیتی خود را از برخورداری منابع و منافع و امتیازات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی محروم می‌دارند. از این‌رو، حاشیه‌نشینی به عنوان آیینه تمام نمای مسائل شهری، جایگاه و اهمیت خاصی در تحقیقات علمی پیدا کرده است (مهرگران، ۱۳۸۷:۲).

بر این اساس، افزایش لجام گسیخته جمعیت شهرنشین و وجود حاشیه نشینی باعث افزایش گرایش به مادی گرایی، کجروی، بی‌عاطفه گی و بروز بزهکاری می‌گردد و از آنجا که در شهرها افراد شناختی از یکدیگر نداشته و در نتیجه کنترل و نظارت اجتماعی بر عملکرد آنان از میان رفته است موجب شکل گیری ناپنهنجاری اجتماعی می‌گردد، به گونه‌ای که طبق آمارهای انتشار یافته از سوی برخی موسسات جرم شناسی جهانی شاهد افزایش ۳/۵ درصدی خشونت در شهرها بوده‌ایم. میزان جرایم شهری با توسعه شهرها و افزایش جمعیت ارتباط مستقیم دارد. به همین خاطر شاهد شکل گیری نقاصلی مستعد در پیرامون کلانشهرها می‌باشیم که به عنوان بهترین پایگاه شکل گیری و ترویج ناپنهنجاری‌های اجتماعی شناخته می‌شود. بدین ترتیب حاشیه نشینی بعنوان بستری برای ارتکاب جرایم مورد توجه برنامه ریزان شهری قرار گرفته است (خاتم و اطهاری، ۱۳۸۶، ص ۳۵).

در ایران نیز پیدایش نخستین اجتماعات آلونک نشین مربوط به سال ۱۳۱۱ در شهر تهران می‌باشد. اما رشد و گسترش اجتماعات آلونک نشین به بعد از کودتای ۲۸ مرداد به خصوص از

سال ۱۳۳۵ به این طرف بر می گردد. نخستین اجتماعات حاشیه نشین در جنوب شهر تهران تمرکز یافتند. براین اساس رشد حاشیه نشینی در دهه های ۴۰ و ۵۰ ابتدا از تهران شروع شده است. گسترش تأسیسات شهری و شبکه های ارتباطی و همچنین افزایش درآمد حاصل از نفت، موجب رونق شهرها و ایجاد جاذبه های شهری گردید و از سوی دیگر، اصلاحات ارضی و مکانیزاسیون، دافعه های روستایی را تشدید نمود و تا به امروز به حیات خود ادامه داده است (پیران، ۱۳۶۷، ص. ۳۶).

شهر آران و بیدگل نیز، به تبع گسترش شتابان شهرنشینی با پدیده حاشیه نشینی منطقه پیرامونی مواجه شده است، به طوری که سطح زندگی در این منطقه از نظر کیفی، نسبت به سایر مناطق و محله های شهری متفاوت است و در سطح بسیار پایینی قرار دارد. عواملی چون بیکاری، فقر، نداشتن مسکن استاندارد، قرار گرفتن در انزواه اجتماعی، عدم تعلق خاطر و واپستگی به ارزش ها، باعث بروز ناهنجاری اجتماعی و گسترش آسیب های شهری در این شهر شده است. بنابراین محلات حاشیه نشین در شهر آران و بیدگل، علاوه به اینکه سبب ناهمگونی در سیمای شهری شده، بلکه موجب برهم ریختن تعادل و توازن فرهنگی و گسترش بزهکاری، تعارض، فقر و ناهمگونی اجتماعی- جمعیتی و نظایر این ها گشته اند. تحقیق حاضر درصد پاسخ به این پرسش است که آیا بین محل سکونت و انحرافات و کجروی های اجتماعی رابطه وجود دارد؟ در مقابل این سؤال پنج فرضیه قابل طرح است که عبارتند از:

- ۱- بین محل سکونت و انحرافات اجتماعی رابطه وجود دارد.
- ۲- بین محل سکونت و محیط کالبدی با انحرافات اجتماعی رابطه وجود دارد.
- ۳- بین محل سکونت و تحصیلات با انحرافات اجتماعی رابطه وجود دارد.
- ۴- بین محل سکونت و درآمد با انحرافات اجتماعی رابطه وجود دارد.
- ۵- بین محل سکونت و پایگاه اقتصادی- اجتماعی با انحرافات اجتماعی رابطه وجود دارد.

### مبانی نظری

انحرافات اجتماعی شهری، آن بخش از ناهنجاری های اجتماعی اند که در نتیجه پیدایش شهرنشینی و تشدید مشکلات ناشی از آن ها پدیدار گشته و در سطوح مختلف خود موجب آسیب های ساختاری و کارکردی برای جامعه شهری می شوند. تاریخچه نظریه ها و دیدگاه های راجع به آسیب های شهری به پس از انقلاب صنعتی و بویژه نیمه دوم قرن نوزدهم بازمی گردد. از نظر علمای اجتماعی کشور آلمان همچون زیمل و تونیس<sup>۱</sup>، رشد شتاب آلد کالبد شهرها

1. Zimmel and Tonnies

همراه با ظهور تغییرات اجتماعی جدیدی که بر فلسفه مادیگرایانه مبتنی بود، مقدمه تباہی شهرها را فراهم کرد (موسوی، ۱۳۷۸: ۸۶). رابت مرتون معتقد است که کجروی از آن رو پیش می‌آید که جامعه دستیاری به برخی هدف‌ها را تشویق می‌کند اما وسائل ضروری برای رسیدن به این هدف‌ها را در اختیار تمام اعضای جامعه قرار نمی‌دهد در نتیجه برخی افراد باید هدف‌های خاصی برگزینند یا برای رسیدن به هدف‌هایی که فرهنگ جامعه شان تجویز کرده وسائلی نامشروع به کارگیرند (فولادیان، ۱۳۸۵: ۹۰).

در نیمه اول قرن بیستم، مقارن با رشد سریع جمعیت شهری و افزایش بی‌رویه ناهنجاری‌های اجتماعی، بررسی‌های جغرافیایی ناهنجاری‌های شهری و شناسایی کانون‌های جرم‌خیز، از مباحث مهم مسائل اجتماعی گردید (پوراحمد، ۱۳۸۲، ص ۵۲).

حاشیه‌نشینی، نوعی سکونت در فضای شهری است که در تمامی ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، کالبدی و حقوقی با سایر انواع سکونت موجود در شهر تفاوت‌های اساسی را نشان می‌دهد (Coit, 1994: 116). ناپایداری حاصله از ناکارآمدی ساختار و عناصر سیستم‌های مناطق شهری در کشورهای جهان سوم، ویژگی‌های اساسی را در این سکونتگاه‌ها ایجاد کرده است (Nahiduzzaman, 2006: 4). مهمترین این ویژگی‌ها شامل ویژگی‌های کالبدی، اجتماعی، فرهنگی و قانونی می‌باشد (Asia source, 2001).

### دیدگاه بوم شناسی شهری

برخی از پژوهشگران به مسئله حاشیه نشینی از دیدگاه بوم شناسی شهری نگریسته اند و تلاش کرده اند تا با توجه به بافت فیزیکی شهر به مکانیزم پیدایش حاشیه نشینی پیردازند (زاده‌انی، ۱۳۸۰، ص ۱۳). این دیدگاه بر پایه مکتب شیکاگو شهر را محل تنازع بقا و جای‌گیری مناسب‌تر در بهترین فضای شهری تحلیل می‌کنند.

ارنست برگس و لویس ویرث از مکتب شیکاگو عمدتاً پیرامون شهرهای ایالات متحده پژوهش نموده‌اند. به نظر این دو محقق، حرکت طبقات بالا از مرکز شهر به سمت خارج در اثر شلوغی، افزایش تراکم و رشد و هجوم گروه‌های فقیر تازه وارد و گروه‌های نژادی به جای آن‌ها و تنزل شرایط ساختمانی در اثر کم توجهی مالکین به علت دریافت اجاره بهاء پایین، باعث شکل گیری مناطق حاشیه نشین می‌گردد. در مکتب شیکاگو نیز، اثر حاشیه‌نشینی بر میزان جرم و جنایت بیان شده است (Haralambos, 1990: 595). هنگامی که از اکولوژی یا روابط انسان با مکان و مسکن وی سخن می‌رود تنها به جنبه مکانی این روابط توجه نمی‌شود، بلکه از تغییرات و تحولاتی که در روابط انسان و محیط مسکونی او نیز رخ می‌دهد، بحث می‌شود. به

طور کلی بوم شناسان شهری پنج مرحله عمدۀ بوم شناختی در شهرها را تشخیص داده اند: تراکم، تمرکز، تمرکز زدایی، انشعاب و تهاجم (کوئن، ۱۳۷۰، ص ۲۲۴).

در بررسی علل وقوع جرم و جنایت در منطقه در حال تحول، که در حقیقت حاشیه‌نشین محسوب می‌شوند، شاو و مکی در تحقیقات میدانی خود به این نتیجه رسیده‌اند که مشکلات اجتماعی شهر شیگاگو به علت الگوهای کنترل نشده مهاجرت و ایجاد مناطق حاشیه‌نشین است که اهالی این منطقه از فرهنگ کلی جامعه جدا افتاده‌اند. ساکنان این مناطق به اجبار در کنار هم قرار گرفته و دارای هم‌زیستی بیمارگونه هستند. این مناطق در واقع از سایر نقاط شهر جدا افتاده و به حاشیه‌ها رانده شده اند و معیارهای رفتاری و هنجارهای دیگری در آن شکل گرفته است که با فرهنگ مسلط دیگر مناطق شهر در تضاد است. در این مناطق گرایش‌های فرهنگی خاصی استقرار یافته، بطوریکه افراد مرتبا در معرض یادگیری الگوهای موافق قانون‌شکنی هستند. بنابراین تمرکز در این مناطق ناشی از بی‌سازمانی اجتماعی است که نشانگر عدم هماهنگی میان فرهنگ و ساخت اجتماعی می‌باشد (نصیری، ۱۳۸۲، ص ۸۶). خصوصیات این مناطق، فرسودگی فیزیکی ساختمان‌ها، تمرکز فقر، جدایی گزینی قومی و نژادی، اختلال‌های روحی و بیماری‌های جسمی و عدم تعلق محلی است (McKay and Shaw, 1962: 43).

در این زمینه مارشال کلینارد نظریه‌های حاشیه‌نشینی را به دو دسته تقسیم می‌کند. الف) تغییر در نحوه استفاده از زمین (ب) کمبود و عدم تعمیر و نگاهداری صحیح از آن.

مکین تاش در همین دسته از نظریات در نظریه حاشیه‌نشین چهار عامل محیط فیزیکی اطراف خانه، شرایط فیزیکی خانه، ساکنان خانه، صاحب خانه را مورد توجه قرار می‌دهد. وی اعتقاد دارد با بهبود شرایط فیزیکی می‌توان به مساله حاشیه‌نشینی پایان داد (ربانی، ربیعی، ۱۳۸۹، ص ۴۵).

در همین زمینه، در سال‌های اخیر نیز برای بررسی ناهنجاری‌های شهری شاخص‌ها و متغیرهایی به کار گرفته می‌شود که تفاوت اکولوژیک محله‌های شهری را به خوبی نشان می‌دهند (شکویی، ۱۳۶۵: ۸۹). شاخص‌های مربوط به سطح پایگاه اقتصادی - اجتماعی، نوع اشتغال ساکنان از نظر مشاغل علمی - تخصصی یا مشاغل ابتدائی، بیکاری و سطح درآمد از بهترین متغیرها برای شناسایی محله‌ها و درک رابطه آن‌ها با ناهنجاری‌ها و جرایم شهری بهشمار می‌آیند. محمد حمصی و توماس کسلر (۱۹۹۷) با همین شیوه به بررسی رابطه مواد مخدر، سرقت، فحشا، شرارت و تبهکاری با متغیرهای درآمد، تراکم جمعیت، بهای مسکن و بیکاری پرداختند. پژوهش این دو نشان داد که بیشترین جرایم شهری در بخش مرکزی و مناطق گذار شهر فارگو کانادا مشاهده شده و میان جرایم با درآمد و بهای مسکن ارتباط وجود

دارد، به طوری که جرم‌خیزترین مناطق در نقاطی قرار دارند که مساکن آن‌ها بهای کمتری دارد و معمولاً از انواع مجتمع‌های استیجاری‌اند که برای افراد کم‌درآمد احداث شده‌اند.

### نظریه کنش پارسونز

پارسونز که نسبت به بسیاری دیگر کلاسیک‌ها نسبتاً به جامعه جدید و تحولات آن خوش بین است، جامعه شهری جدید را جایی می‌بیند که افراد در آن به دور از کنش‌های عاطفی و خاص گرایانه سنتی با یکدیگر به تعامل می‌پردازند (پارسونز، ۱۳۸۱ و ازکیا، ۱۳۸۰، صص ۹۸). وی در مقاله ساختارهای اساسی اجتماع به طور دقیق اهمیت موقعیت‌های ارضی متفاوت را برای عاملان بررسی می‌کند. در اندیشه پارسونز، روابط اجتماعی با عناصر فیزیکی و آرایش ارضی گره خورده است. وی اشاره می‌کند که جهت گیری دو عامل وجه اجتماعی کنش و موقعیت فیزیکی همواره مرتبط با ارگانیزم است، این بدین معناست که موقعیت ارضی ذاتاً در تمام کنش‌ها وجود دارد. بدین ترتیب پارسونز توجه ما را به سوی اهمیت الگوهای آرایش فضایی اشیاء در جهان فیزیکی برای واقعیت‌های اجتماعی سوق می‌دهد (افروغ، ۱۳۷۷، ص ۴۳).

وی معتقد است که موقعیت‌ها در جهان فیزیکی به دلیل اهمیت اجتماعی‌شان با اهمیت ترند. پارسونز موقعیت‌های ناحیه‌ای مختلف را بر حسب موقعیت‌شان بر طیفی از پایین تا بالا طبقه‌بندی می‌کند. پایین‌ترین سطح واحد را ناحیه تعامل چهره به چهره تشکیل می‌دهد: ناحیه‌ای فیزیکی که با دامنه‌ای از بعد شنیداری و دیداری مستقیم محدود می‌شود. بالاترین سطح نیز ناحیه ارضی و جغرافی اقتدار ملی است. پارسونز اعلام کرد که فراگرد تمایز، یک رشته مشکلات تازه را برای یکپارچگی جامعه به بار می‌آورد. به موازات تکثیر خرده نظام‌ها و تخصصی شدن آن‌ها جامعه با مسائل تازه‌ای در زمینه هماهنگ سازی عملکردهای این واحدها روبرو می‌شود. برای اداره کردن خرده نظام‌های پراکنده تر به مجموعه مهارت‌ها و قابلیت‌های گسترده تری نیاز است. قابلیت‌های تعمیم یافته مردم نیز باید از این قید و بندی‌های انتسابی رها گردد تا جامعه بتواند از این قابلیت‌ها استفاده کند (ریتر، ۱۳۷۴، ص ۱۴۲).

پارسونز معتقد است کارکردهای مناسب هر یک از خرده نظام‌های فرهنگ، اجتماع، شخصیت، اقتصاد و ارتباط و کنش متقابل بین آنها عامل کنترل کننده هر جامعه و همچنین عامل بقا و پابداری نظام اجتماعی است. در مقابل، عدم تعادل و بی سازمانی در هر یک از خرده نظام‌ها حیات جامعه را تهدید کرده زمینه را برای رفتار انحرافی فراهم می‌سازد. از دید پارسونز، نهادها و سازمان‌های اجتماعی، عوامل اجرایی و ابزارهای جامعه پذیری الگوهای رفتاری و درونی ساختن آنها در افراد هستند (اسماعیلی، ۱۳۸۹، ص ۱۰) در صورتی که نهادها و

سازمان‌های کارگزار جامعه پذیری نظیر خانواده، مدرسه و وسائل ارتباط جمعی کارایی لازم را نداشته باشند، جامعه دچار بی‌سازمانی اجتماعی گردیده و پیامد آن شیوع رفتار انحرافی در جامعه است (سهامی و احمدی، ۱۳۷۹، ص ۱۲۵) از این رو می‌توان گفت، دلیستگی به خانواده که نشان‌دهنده‌ی آرام بودن خانواده و نیز صمیمیت بین اعضای خانواده بالاخص نوجوانان و والدین است، می‌تواند به کاهش بزهکاری منجر شود (مشکانی، ۱۳۸۱، ص ۱۳).

### نظریه تقسیم کار و نظم اجتماعی دورکیم

دورکیم اولین کسی بود که مفهوم آنومی یا نابسامانی را که عبارتست از شرایط به هم ریخته و درهم و برهمی که در آن هنجارهای اجتماعی ضعیف می‌شوند و از بین می‌روند یا در تضاد با یکدیگر قرار می‌گیرند و هم در فرد و هم در جامعه تجلی پیدا می‌کند، وارد جامعه شناسی کرد. بر اساس نظریه آنومی می‌توان گرایش جوانان حاشیه نشین را به انجام رفتارهای کجروانه تبیین کرد که بر اساس آن جامعه از یک طرف اهداف و ارزش‌های مطلوبی را به شیوه‌های مختلف تبلیغ می‌کند و از طرف دیگر وسائل دسترسی به این اهداف به طور مساوی در اختیار همگان قرار ندارد، در نتیجه افراد محروم پیوسته از راههای غیر مشروع خواستار دستیابی به اهداف مطلوب هستند و به این ترتیب ارزش‌های فرهنگی مطلوب جامعه مورد خدشه قرار می‌گیرد (رفعی پور، ۱۳۷۶، ص ۷۵) همچنین دورکیم با تاکید بر دو مفهوم انسجام مکانیکی و ارگانیکی بسیاری از مسائل و مشکلات شهری را از این منظر مورد بررسی قرار داد. با توجه به نظر وی چنین مستفاد می‌شود که در شهرهای بزرگ انسجام ارگانیکی حاکم است ولی مهاجرین تازه وارد که از روستا و مکان‌های اجتماعی کوچکتر به شهر مهاجرت می‌کنند از نگرش جامعه مکانیکی برخوردارند (آرون، ۱۳۸۱، ص ۳۶۲).

دورکیم توسعه شهرنشینی تحت تاثیر افزایش مهاجرت را از جمله عوامل موثر بر خارج شدن جوانان از نظارت بزرگترها می‌داند که طی آن از اهمیت و نفوذ سالمندان کاسته شده و بر سرعت تغییرات و تحولات اجتماعی افزوده می‌شود. به باور وی در شهرهای بزرگ، سنت از هر جای دیگری کمتر بر اندیشه‌ها و عواطف مردم تسلط دارد و هر روزه ما در آن شاهد پیدایش رفتارهای تازه و حتی مغایر خواست اکثربت هستیم (دورکیم، ۱۳۸۱، ص ۲۶۴). دورکیم، علت همه رفتارهای غیرعادی را در محیط اجتماعی جستجو می‌کند و در نهایت عقیده دارد که جرم یک پدیده طبیعی و اجتماعی است و بین جرم و فرهنگ محل وقوع جرم ارتباط وجود دارد (مساواتی آذر، ۱۳۷۴، ص ۱۷). دورکیم با اظهار نظرات خویش راه را برای بررسی محیط‌های متفاوت که در

آن مجرمین و غیر مجرمین زندگی می کنند هموار کرد و تحقیقات گستره ای توسط جامعه شناسان و جرم شناسان در خصوص تأثیر محیط بر وقوع جرایم صورت پذیرفت.

### روش تحقیق

در تحقیق حاضر از روش پیمایش استفاده شده است. همچنین، برای تدوین چارچوب نظری تحقیق و مروری بر تحقیقات پیشین، از روش کتابخانه‌ای (استنادی) نیز بهره گرفته شده است. ابزار جمع آوری داده‌ها، پرسشنامه بوده است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران و واریانس بدست آمده از پیش آزمون با سطح اطمینان ۹۵ درصد ۳۰۰ نفر محاسبه شد. برای محله حاشیه نشین یحیی آباد تعداد ۱۵۰ پرسشنامه و برای محلات غیر حاشیه نشین نیز ۱۵۰ پرسشنامه تکمیل گردید. داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS از روش‌های آماری توصیفی (جداول توزیع فراوانی) و آماره‌های استنباطی (آزمون آماری تی دو گروه مستقل<sup>۱</sup> و واریانس دو طرفه<sup>۲</sup>) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

متغیرهای این تحقیق دو دسته‌اند: متغیر وابسته و متغیرهای مستقل. متغیر وابسته این تحقیق میزان گرایش به بزهکاری و متغیرهای مستقل شامل محل سکونت، سطح سواد، شغل، درآمد، پایگاه اقتصادی-اجتماعی و وضعیت کالبدی می‌باشد.

محل سکونت: در سطح اسمی دو حالت اندازه گیری شده و گزینه‌ها شامل حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین می‌باشد.

سطح سواد؛ در سطح رتبه‌ای چند حالته اندازه گیری شده و گزینه‌ها و مقادیر آن‌ها شامل بی سواد، ابتدایی، سیکل، دیپلم، لیسانس و بالاتر می‌شود.

شغل: در سطح اسمی چند حالته اندازه گیری شده و گزینه‌های آن عبارتنداز کارگر، کشاورز، کارمند، مغازه دار، راننده و بیکار

درآمد؛ در سطح رتبه‌ای اندازه گیری شده و گزینه‌های آن عبارتنداز کمتر از ۲۰۰ هزار، ۱۰ تا ۲۵۰ هزار، ۲۵۱ تا ۳۰۰ هزار، ۳۰۱ تا ۴۰۰ هزار و ۴۰۱ هزار تومان به بالا.

پایگاه اقتصادی-اجتماعی؛ جایگاهی است که هر فرد بر اساس مرتبه شغلی، سطح تحصیلات و میزان درآمد خود در جامعه کسب می‌کند. در این تحقیق، اطلاعات مربوط به میزان تحصیلات، میزان درآمد، شغل پاسخگویان مورد بررسی قرار گرفت.

- 
1. Dependent Samples Test
  2. Two - way Analysis of Variance

وضعیت کالبدی؛ در سطح فاصله‌ای اندازه‌گیری شده و گزینه‌های آن عبارتند از مساحت منزل، مصالح ساختمانی بکار رفته در منزل، تعداد طبقات و تعداد اتاق‌ها. انحراف یا کجروی اجتماعی؛ در این تحقیق با استفاده از ۱۸ گویه با طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت (خیلی کم تا خیلی زیاد) این متغیر مورد سنجش قرار گرفته است.

### اعتبار و روایی

در تحقیق حاضر، جهت افزایش درجه اعتبار، از روش صوری استفاده شده است (همون، ۱۳۷۶: ۲۲۸). بدین منظور، پرسشنامه بعد از تدوین در اختیار صاحب نظران، متخصصان و استادان قرار گرفت و پس از جمع آوری نظرات آن‌ها، اصلاحات لازم انجام شد. برای تعیین روایی این تحقیق از ضریب الگای کرونباخ استفاده شده است (ساروخانی، ۱۳۸۲: ۱۵۱). در این تحقیق میزان آلفای محاسبه شده (۰/۷۸) عدد مطلوبی است و می‌توان گفت که دقت لازم برای احراز پایایی سازه‌ها در پرسشنامه به کار گرفته شده و گویه‌های طراحی شده برای سنجش متغیرها با یکدیگر همبستگی درونی دارند.

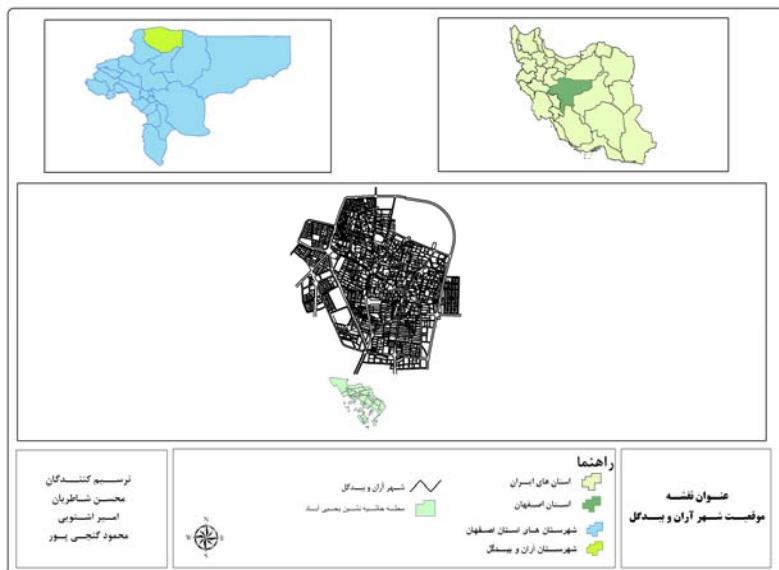
### منطقه مورد مطالعه

شهر آران و بیدگل در ایران مرکزی، در ناحیه بیبانی و نیمه بیبانی و در قسمت شمال استان اصفهان با ۶۰۵۱ کیلومتر مربع وسعت واقع شده است. این شهر با طول جغرافیایی ۵۱ درجه و ۲۹ دقیقه شرقی و عرض جغرافیایی ۳۴ درجه و ۴ دقیقه شمالی از جنوب به کاشان، از شرق به ابوزیدآباد کویرات، از غرب به نوش آباد و از شمال به کویر مرکزی ایران و دریاچه نمک منتهی می‌شود (شکل ۱). بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵، جمعیت این شهر ۵۵۸۳۳ نفر بوده است (نیک اندیش، ۱۳۸۸: ۱۸). منطقه حاشیه نشین یحیی آباد از سال ۱۳۸۲ در قسمت جنوبی شهر آران و بیدگل و حدفاصل بین دو شهر کاشان و آران و بیدگل شکل گرفته است. ساکنین این منطقه از مهاجرین روستایی شهرهای مذکور و همچنین افراد غیر بومی شامل اقوام (کرد، لر و ترک) تشکیل می‌شود (شکل ۲).

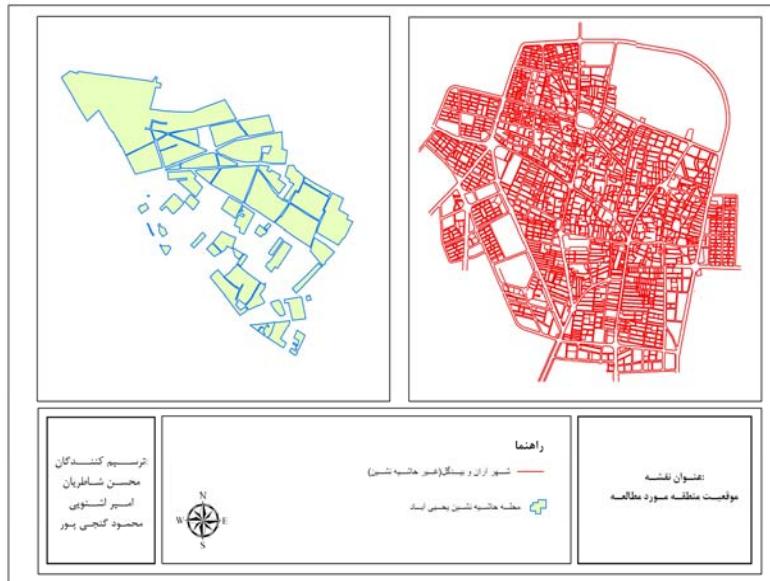
جدول (۱) اطلاعات جمعیتی محدوده‌های مورد مطالعه در سال ۱۳۸۵

منطقه	جمعیت <sup>۱</sup>	بعد خانوار	بار تکفل	نسبت جنس	درصد باسواد	درصد بی‌سواد	تراکم نفر در واحد مسکونی
شهر آران و بیدگل	۵۵۸۳۳	۳/۶	۳/۶	۱۰۱	۸۴/۶	۱۵/۴	۳/۶
محله حاشیه نشین یحیی آباد	۶۱۸	۴۰۱	۲/۱	۱۲۰	۸۱/۶	۱۸/۴	۴/۵

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵



شکل (۱) موقعیت شهر آران و بیدگل



شکل (۲) موقعیت شهر آران و بیدگل و محله حاشیه نشین یحیی آباد

### توصیف داده ها

با توجه به نتایج به دست آمده، در مورد ویژگی های نمونه مورد بررسی  $54/3$  درصد پاسخگویان مرد و  $45/7$  درصد را زنان تشکیل می دهند.  $4/7$ % بی سواد،  $22/7$ % تحصیلات ابتدایی،  $20$ % سیکل،  $32$ % دیپلم و  $20$ % دارای مدرک دانشگاهی اند. از نظر اشتغال،  $41$ % کارگر،  $23/7$ % در بخش دولتی،  $2$ % در بخش کشاورزی،  $9/7$ % راننده،  $4$ % مغازه دار و  $19/7$ % مشاغل متفرقه و بیکارند. از نظر درآمد،  $13$ % کمتر از دویست هزار تومان،  $6/3$ % بین  $200$  تا  $250$  هزار تومان،  $7$ % بین  $251$  تا  $300$  هزار و  $28$ % بین  $301$  تا  $400$  هزار تومان و  $43$ % بیشتر از  $401$  هزار تومان درآمد دریافت کرده اند.  $71$ % از پاسخگویان بومی و از داخل منطقه و  $29$ % از پاسخگویان غیر بومی (اغلب از قوم کرد، ترک و لر) هستند. در جدول (۲) توزیع فراوانی و درصد گرایش به انحراف و کجروی اجتماعی در  $18$  گویه به تفکیک دو محله مورد مطالعه آورده شده است.

جدول (۲) توزیع فراوانی گرایش به انحراف اجتماعی در محلات حاشیه نشین و غیر حاشیه نشین

گویه	حاشیه نشین					
	غیر حاشیه نشین	کم	متوسط	کم	متوسط	کم
زیاد	متوجه	کم	زیاد	متوجه	کم	کم
صرف سیگار	-	$29/5$	$70/5$	$57/6$	$22/5$	$19/9$
صرف مواد مخدر	-	$22/8$	$77/2$	$49/7$	$25/8$	$21/9$
تخریب اموال عمومی	$14/8$	$17/4$	$67/8$	$23/2$	$25/2$	$51$
تقلب در امتحان	-	$40/9$	$59/1$	$55$	$15/2$	$29/8$
صرف مشروبات الکلی	-	$7/4$	$92/6$	$23/2$	$27/2$	$49/7$
مزاحمت در محله	-	$14/8$	$58/2$	$29/8$	$20/5$	$49/7$
خارج ماندن از منزل تا نیمه شب	-	$22/1$	$77/9$	$26/5$	$41/7$	$31/8$
تماشای فیلم مستھجن	$22/1$	$16/1$	$59/1$	$11/9$	$30/5$	$57/6$
فحاشی و کلمات رکیک	-	$15/4$	$84/6$	$29/8$	$23/2$	$47$
نافرمانی از والدین و توهین به آنها	-	$10/1$	$89/9$	$26/5$	$18/5$	$55$
شرط پندی و قمارباری	$2$	$13/4$	$84/6$	$6$	$19/9$	$74/2$
استفاده از ماهواره	-	$56/4$	$43/6$	$29/1$	$24/5$	$46/4$
دزدی و سرقت	-	$10/1$	$87/9$	$9/3$	$29/8$	$58/3$
خرید و فروش مواد مخدر	-	$25/5$	$74/5$	$26/5$	$21/9$	$51/7$
اخراج از مدرسه و کلاس درس	-	$12/1$	$87/9$	$16/6$	$2/6$	$80/8$
رعایت حقوق دیگران	$40/9$	$40$	$12/1$	$28/5$	$27/8$	$43/7$
رعایت قوانین جامعه	$45$	$32/9$	$22/1$	$25/2$	$42/4$	$32/5$
فرار از مدرسه	-	$2/7$	$97/3$	$11/4$	$11/3$	$77/5$

از ترکیب ۱۸ گویه انحرافات و کجروی های اجتماعی ابعاد انحرافات اجتماعی حاصل شده است. در جدول (۳) توزیع درصد پاسخگویان به تفکیک حاشیه نشین و غیر حاشیه نشین مشاهده می شود. ۸/۶ درصد پاسخگویان بیان داشتند که در منطقه حاشیه نشین میزان گرایش به انحرافات اجتماعی به میزان زیادی وجود دارد، در صورتی که این مقدار در منطقه غیر حاشیه نشین ۵/۴ درصد می باشد. بنابراین، میزان گرایش به انحرافات اجتماعی در منطقه حاشیه نشین بیش از منطقه غیر حاشیه نشین می باشد.

جدول (۳) توزیع فراوانی گرایش به انحرافات اجتماعی در مناطق حاشیه نشین و غیر حاشیه نشین

غیر حاشیه نشین			حاشیه نشین			ابعاد
زیاد	متوسط	کم	زیاد	متوسط	کم	
۵/۴	۱۹/۵	۷۵/۲	۸/۶	۳۵/۸	۵۵/۶	انحرافات اجتماعی

### آزمون فرضیات

فرضیه ۱: بین محل سکونت پاسخگویان و انحرافات اجتماعی رابطه وجود دارد. برای اطمینان از معناداری تفاوت های مشاهده شده در زمینه انحرافات و کجروی اجتماعی در دو محله از آزمون تفاوت میانگین ها استفاده شده است. نتایج آزمون در جدول (۴) نشان می دهد میانگین انحرافات اجتماعی در محله غیر حاشیه نشین برابر ۲/۱۶ و در محله حاشیه نشین برابر ۲/۵۸ می باشد. از این رو، تفاوت میانگین ها در بین دو گروه به لحاظ آماری با توجه به  $t= -3/162$  و  $\text{sig}=0.02$  معنادار است. بنابراین می توان گفت که میزان انحرافات اجتماعی در محله حاشیه نشین یعنی آباد بیشتر از محلات غیر حاشیه نشین شهر آران و بیدگل است.

جدول (۴): آزمون برابری میانگین های انحرافات اجتماعی و حاشیه نشینی

اثبات فرضیات	معناداری	درجه آزادی	مقدار محاسبه شده	میانگین		ابعاد
				غیر حاشیه نشین	حاشیه نشین	
تایید فرضیه	۰/۰۰۲	۲۹۸	-۳/۱۶۲	۲/۱۶	۲/۵۸	انحرافات اجتماعی

فرضيه ۲: بین محل سکونت و محیط کالبدی با انحرافات اجتماعی رابطه وجود دارد. برای آزمون این فرضیه از تحلیل واریانس دوطرفه استفاده شده است. محل سکونت و محیط کالبدی بر حسب میانگین انحرافات اجتماعی همراه با F مورد محاسبه قرار گرفت (جدول ۵).

جدول (۵) تحلیل واریانس دو طرفه محل سکونت، محیط کالبدی و انحرافات اجتماعی

تعداد	میانگین انحرافات اجتماعی	محیط کالبدی	تعداد	میانگین انحرافات اجتماعی	محل سکونت
۶۲	۲/۴۶	مساحت منزل	۱۵۰	۲/۵۸	حاشیه نشین
۱۹۰	۲/۲۸	مصالح ساختمانی			
۴۴	۲/۷۹	تعداد طبقات	۱۵۰	۲/۱۶	غیر حاشیه نشین
۴	۱	تعداد آنماها			
معناداری	F مقدار	متوسط انحرافات	درجه آزادی	منبع تغییرات	
۰/۰۰۰	۳۰/۵۱۲	۳۶/۹۲۱	۱	اثر محل سکونت	
۰/۰۲۷	۲/۷۹۲	۳/۳۷۸	۴	اثر محیط کالبدی	
۰/۰۰۰	۷/۹۸۲	۹/۶۵۹	۴	اثر متقابل محل سکونت و محیط کالبدی	

در تحلیل واریانس دوطرفه تاثیر دو متغیر مستقل(دو یا چند وجهی) بر متغیر وابسته مطالعه می شود. بدین ترتیب در واقع دو اثر اصلی و متقابل وجود دارد. در اثر اصلی تاثیر هر یک از دو متغیر مستقل بر متغیر وابسته، صرف نظر از ارتباطشان با همدیگر سنجیده می شود، اما در اثر متقابل، تاثیر همزمان و یکباره دو متغیر مستقل بر متغیر وابسته سنجیده می شود(غیاثوند، ۱۳۸۷، ص ۱۱۷). ملاک معنی دار بودن فرضیه نیز اثر متقابل و همزمان دو متغیر مستقل بر متغیر وابسته است. به همین خاطر در تست فرضیات مختلف برخی متغیرها معنی داری متفاوتی را از خود نشان می دهد.

همانطور که در جدول (۵) مشاهده می شود اثر اصلی متغیر محل سکونت ( $\text{sig} = 0/000$  و  $F = ۳۰/۵۱۲$ ) بر نمره انحرافات اجتماعی معنی دار است. یعنی به لحاظ آماری میانگین انحرافات اجتماعی در بین محله حاشیه نشین و غیر حاشیه نشین (شهر آران و بیدگل) متفاوت است. محله حاشیه نشین یحیی آباد با میانگین ۲/۵۸ میزان انحرافات اجتماعی بیشتری را به خود اختصاص داده اند. از طرف دیگر، اثر اصلی متغیر محیط کالبدی ( $\text{sig} = ۰/۰۲۷$  و  $F = ۲/۷۹۲$ ) بر

نمره انحرافات اجتماعی معنی دار است. یعنی به لحاظ آماری میانگین انحرافات اجتماعی در بین محیط کالبدی مختلف متفاوت است.

محل سکونت و محیط کالبدی نیز دارای اثری متقابل اند یعنی به لحاظ آماری تعامل بین محل سکونت و محیط کالبدی و تاثیر همزمان این دو متغیر مستقل بر متغیر انحرافات اجتماعی معنی دار است ( $F=7/982$  sig = ۰/۰۰۰).

فرضیه ۳: بین محل سکونت و تحصیلات با انحرافات اجتماعی رابطه وجود دارد. برای آزمون این فرضیه از تحلیل واریانس دوطرفه استفاده شده است. محل سکونت و تحصیلات بر حسب میانگین انحرافات اجتماعی همراه با F مورد محاسبه قرار گرفت (جدول ۶).

جدول (۶) تحلیل واریانس دو طرفه محل سکونت، تحصیلات و انحرافات اجتماعی

محل سکونت	میانگین انحرافات اجتماعی	تحصیلات	میانگین انحرافات اجتماعی	تعداد	تعداد	میانگین انحرافات اجتماعی	تعداد	میانگین انحرافات اجتماعی	تعداد
حاشیه نشین	۲/۵۸	بی سواد	۲/۴۲	۱۴	۱۵۰	۲/۱۶	۱۵۰	۲/۵۵	۶۰
غیر حاشیه نشین	۲/۱۶	دیپلم	۲/۰۴	۹۰	۱۵۰	۲/۵۲	۶۸	۲/۰۴	۶۰
منبع تغییرات	درجه آزادی	متسط انحرافات	F مقدار	معناداری					
اثر محل سکونت	۱	۷/۲۵۷	۵/۶۸۵	۰/۰۱۸					
اثر سطح تحصیلات	۴	۲/۶۸۳	۲/۰۹۲	۰/۰۸۲					
اثر متقابل محل سکونت و سطح درآمد	۴	۵/۸۶۹	۴/۵۷۵	۰/۰۰۱					

همانطور که در جدول (۶) مشاهده می‌شود اثر اصلی متغیر محل سکونت ( $F=5/685$  sig = ۰/۰۱۸) بر نمره انحرافات اجتماعی معنی دار است. یعنی به لحاظ آماری میانگین انحرافات اجتماعی در بین محله حاشیه نشین و غیر حاشیه نشین (شهر آران و بیدگل) متفاوت است. محله حاشیه نشین یحیی آباد با میانگین ۲/۵۸ میزان انحرافات اجتماعی بیشتری را به خود اختصاص داده‌اند.

از طرف دیگر، اثر اصلی متغیر سطح تحصیلات ( $F=2/0.92$  و  $\text{sig} = 0/0.82$ ) بر نمره انحرافات اجتماعی معنی دار نیست. یعنی به لحاظ آماری میانگین انحرافات اجتماعی در بین سطح تحصیلات مختلف تفاوتی ندارد.

محل سکونت و سطح تحصیلات نیز دارای اثری متقابل اند یعنی به لحاظ آماری تعامل بین محل سکونت و سطح تحصیلات و تاثیر همزمان این دو متغیر مستقل بر متغیر انحرافات اجتماعی معنی دار ( $F=4/575$  و  $\text{sig} = 0/0.1$ ) است. به عبارتی، میانگین نمره انحرافات اجتماعی در نقاط مختلف با سطح تحصیلات مختلف متفاوت است.

فرضیه ۴: بین محل سکونت و درآمد با انحرافات اجتماعی رابطه وجود دارد.  
برای آزمون این فرضیه از تحلیل واریانس دوطرفه استفاده شده است. محل سکونت و میزان درآمد بر حسب میانگین انحرافات اجتماعی همراه با F مورد محاسبه قرار گرفت (جدول ۷)

جدول (۷) تحلیل واریانس دو طرفه محل سکونت، درآمد و انحرافات اجتماعی

محل سکونت	حاشیه نشین	غیر حاشیه نشین	منبع تغییرات	درجه آزادی	متوجه انحرافات	مقدار F	معناداری	تعداد	میانگین انحرافات اجتماعی	درآمد به هزار تومان	تعداد
۱۵۰		۲/۵۸		۲/۱۶		۱		۳/۴۱۶		۲/۷۷۶	
۱۵۰		۲/۱۶		۴		۴/۸۳۰		۴/۹۲۵		۰/۰۰۹	
۳		۰/۱۴۲		۵/۱۷۹		۴/۱۷۹		۰/۰۰۶		۰/۰۰۹	

همانطور که در جدول شماره (۷) مشاهده می‌شود اثر اصلی متغیر محل سکونت ( $F=2/776$  و  $\text{sig} = 0/0.9$ ) بر نمره انحرافات اجتماعی معنی دار است. یعنی به لحاظ آماری میانگین انحرافات اجتماعی در بین محله حاشیه نشین و غیر حاشیه نشین (شهر آران و بیدگل) متفاوت است. محله حاشیه نشین یحیی آباد با میانگین ۲/۵۸ میزان انحرافات اجتماعی بیشتری را به خود اختصاص داده‌اند.

از طرف دیگر، اثر اصلی متغیر سطح درآمد ( $F=۳/۹۲۵$  و  $\text{sig}=.۰۰۴$ ) بر نمره انحرافات اجتماعی معنی دار است. یعنی به لحاظ آماری میانگین انحرافات اجتماعی در بین سطح درآمدی مختلف متفاوت است. به طوری که سطح درآمدی کمتر از ۲۰۰ و بین ۲۰۱-۲۵۰ هزار تومان، به ترتیب با میانگین ۲/۷۹ و ۲/۴۷ بیشترین میزان انحرافات اجتماعی را به خود اختصاص داده‌اند.

محل سکونت و سطح درآمد نیز دارای اثری متقابل اند یعنی به لحاظ آماری تعامل بین محل سکونت و سطح درآمد و تاثیر همزمان این دو متغیر مستقل بر متغیر انحرافات اجتماعی معنی دار است ( $F=۷/۹۸۲$  و  $\text{sig}=.۰۰۰$ ). به عبارتی، میانگین نمره انحرافات اجتماعی در نقاط مختلف و سطح درآمدی مختلف متفاوت است.

فرضیه ۵: بین محل سکونت و پایگاه اقتصادی - اجتماعی شهر وندان با انحرافات اجتماعی رابطه وجود دارد.

در این فرضیه نیز از تحلیل واریانس دو طرفه استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون این فرضیه در جدول (۸) آمده است.

جدول (۸) تحلیل واریانس دوطرفه محل سکونت، پایگاه اقتصادی - اجتماعی و انحرافات اجتماعی

محل سکونت	میانگین انحرافات اجتماعی	پایگاه اقتصادی - اجتماعی	میانگین انحرافات اجتماعی	تعداد	میانگین انحرافات اجتماعی	تعداد	محل سکونت
حاشیه نشین	۲/۷۳	پایین	۲/۵۸	۱۵۰	۲/۱۶	۱۵۰	حاشیه نشین
	۲/۲۸	متوسط					
غیر حاشیه نشین	۲/۲۶	بالا	۲/۱۶				
منبع تغییرات	درجه آزادی	متوسط انحرافات	مقدار F	معناداری			
اثر محل سکونت	۲	۳/۸۷۸	۲/۹۸۵	.۰۰۰۵			
اثر پایگاه اقتصادی - اجتماعی	۱	۱۱/۹۱۹	۹/۱۷۵	.۰۰۰۳			
اثر متقابل محل سکونت و پایگاه اقتصادی - اجتماعی	۲	۴/۲۷۷	۳/۲۹۲	.۰۰۳۹			

همانطور که در جدول شماره ۸ مشاهده می‌شود اثر اصلی متغیر محل سکونت ( $F=۰/۰۰۵$  و  $\text{sig}=۲/۹۸۵$ ) بر نمره انحرافات اجتماعی معنی دار است. یعنی به لحاظ آماری میانگین انحرافات اجتماعی در بین محله حاشیه نشین و غیر حاشیه نشین (شهر آران و بیدگل) متفاوت

است. محله حاشیه نشین یحیی آباد با میانگین ۲/۵۸ میزان انحرافات اجتماعی بیشتری را به خود اختصاص داده‌اند.

از طرف دیگر، اثر اصلی متغیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی ( $F=۹/۱۷۵$  و  $Sig=0/03$ ) بر نمره انحرافات اجتماعی معنی‌دار است. یعنی به لحاظ آماری میانگین انحرافات اجتماعی در بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی مختلف، متفاوت است. به طوری که پایگاه اقتصادی-اجتماعی پایین با میانگین ۲/۷۳ بیشترین میزان انحرافات اجتماعی را به خود اختصاص داده‌اند.

محل سکونت و پایگاه اقتصادی-اجتماعی نیز دارای اثری متقابل‌اند یعنی به لحاظ آماری تعامل بین محل سکونت و پایگاه اقتصادی-اجتماعی و تاثیر همزمان این دو متغیر مستقل بر متغیر انحرافات اجتماعی معنی‌دار است ( $F=۳/۲۹۲$  و  $Sig=0/039$ ). به عبارتی، میانگین نمره انحرافات اجتماعی در نقاط مختلف و پایگاه اقتصادی - اجتماعی متفاوت است.

### نتیجه گیری

پیامد گسترش شهرنشینی سریع در ایران، پیدایش شهرهای بزرگ و ایجاد مناطق حاشیه نشین با بافت نابسامان و مسکن نابهنجار می‌باشد. شهر آران و بیدگل نیز از این پدیده، بی نصیب نمانده است. در این تحقیق، سعی شد، تأثیر نوع محل سکونت بر میزان گرایش به انحرافات اجتماعی در دو محله حاشیه نشین و غیر حاشیه نشین مورد بررسی قرار گیرد. بررسی میانگین ساختار کالبدی، اقتصادی، اجتماعی دو محله مورد مطالعه نشان می‌دهد در همه زمینه‌ها محله یحیی آباد از مقدار عددی پایین‌تری نسبت به شهر آران و بیدگل قرار دارد.

یکی از یافته‌های این تحقیق تأثیر محل سکونت پاسخگویان به انحرافات اجتماعی بود. می‌توان گفت که تمامی ناهنجاری‌های اجتماعی به هر نحو که از انسان سریزند، دارای بستر زمانی و مکانی منحصر به فرد است. به بیان دیگر، تمامی انحرافات و کجروی‌های اجتماعی دارای ظرف مکانی و زمانی خاصی است که آن‌ها را از یکدیگر متمایز می‌سازد. از این‌رو نوع، میزان و نحوه ارتکاب انحراف اجتماعی ارتباط تنگاتنگی با مکان و زمان وقوع آن دارد. نکته حائز اهمیت اینکه در این تحقیق ثابت شد که پاسخگویان در انتخاب محل انجام رفتارهای انحرافی منطقی و سنجدیده عمل می‌کنند و مکان‌هایی خاص (مناطق حاشیه نشین) را بر می‌گزینند. آزمون برابری میانگین‌ها این موضوع را تایید می‌کند. انحرافات اجتماعی در محله حاشیه نشین با میانگین ۲/۵۸ و در محلات غیر حاشیه نشین ۲/۱۶ است.

عامل دیگری که رابطه معنی‌داری با انحرافات اجتماعی داشت، تأثیر متقابل ساختار کالبدی و نوع محل سکونت بود. عمدۀ ترین نمایه‌ای حاشیه نشینی چهره ظاهری آن است که احساس

وجودان انسانی را می‌آزاد. مقایسه میانگین وضعیت کالبدی در دو محله حاکی از نازلتر بودن آن در محله حاشیه نشین می‌باشد. نتایج آزمون واریانس دو متغیره نیز رابطه معنی‌داری را نشان می‌دهد ( $F=7/982$  و  $sig = 0/000$ ).

تأثیر متقابل سطح تحصیلات و محل سکونت بر انحرافات اجتماعی عوامل دیگری بود که بررسی شد. با توجه به اینکه تحصیلات یکی از ارزش‌های تأیید شده در جامعه محاسب می‌گردد و پیشرفت در آن، منزلت و موقعیت اجتماعی برای فرد به ارمغان می‌آورد. به عبارتی دیگر، یکی از ابزارهای مشروع در رسیدن به اهداف و ارزش‌های اجتماعی است. بنابراین اگر افراد از طریق برخورداری از تحصیلات بالا نتوانند به اهداف و ارزش‌های اجتماعی دسترسی یابند از طریق راههای نامشروع اقدام خواهند کرد و چنین است که زمینه انحراف پدید خواهد آمد. نتایج آزمون واریانس دو طرفه نیز برای متغیرهای مذکور موید رابطه معنادار آن‌هاست ( $F=4/575$  و  $sig = 0/001$ ).

دیگر متغیرهایی که در این تحقیق از طریق آزمون واریانس دو طرفه مورد سنجش قرار گرفت درآمد و پایگاه اقتصادی- اجتماعی پاسخگویان بود. میانگین وضعیت اقتصادی- اجتماعی پاسخگویان نشان از وضعیت مطلوبتر محله غیر حاشیه نشین می‌باشد. بررسی آماری متغیرهای درآمد، پایگاه اقتصادی- اجتماعی و محل سکونت با انحرافات اجتماعی نیز موید عملکرد متقابل این متغیرها می‌باشد ( $F=3/292$  و  $sig = 0/000$  و  $F=7/982$  و  $sig = 0/039$ ).

## منابع و مأخذ

۱. آرون، ریمون (۱۳۸۱) مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه شناسی، ترجمه: باقر پرهام، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی تهران.
۲. ازکیا، مصطفی (۱۳۸۰) جامعه شناسی توسعه، انتشارات کیهان
۳. افروغ، عماد (۱۳۷۷) فضای و نابرابری اجتماعی: ارائه الگویی برای جدایی گزینی فضایی و پیامدهای آن، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
۴. پارسونز، رابت (۱۳۸۱) اصول عام تکامل در جامعه، مدربنیته مفاهیم انتقادی جامعه سنتی و جامعه مدرن، ترجمه منصور انصاری، انتشارات نقش جهان.
۵. پوراحمد، احمد (۱۳۸۲) بررسی جغرافیایی جرایم در شهر تهران، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، دانشگاه تهران، شماره ۴۴.

۶. پیران، پرویز (۱۳۶۷) آلونک نشینی در تهران، مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۲۳-۱۷.
۷. خاتم، اعظم و اطهاری، کمال (۱۳۸۶) مدیریت یکپارچه و حل مسئله اسکان غیر رسمی، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهر سازی و معماری ایران.
۸. اسماعیلی، علیرضا (۱۳۸۹) بررسی علل بزهکاری جوانان دراستان گلستان، فصلنامه جامعه شناسی مطالعات جوانان، سال اول، پیش شماره ۲.
۹. دورکیم، امیل (۱۳۸۱) درباره تقسیم کار اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، ویراست دوم، چاپ اول، تهران: نشر مرکز.
۱۰. ربائی، رسول و ربیعی، کامران (۱۳۸۹) حاشیه نشینی و فضای شهری: باز تولید اجتماع غریبه ها مطالعه موردنی: محله عرب های ملک شهر اصفهان، مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، سال اول، شماره سوم، صص ۴۳-۶۳.
۱۱. رفیع پور، علی (۱۳۷۶) توسعه و تضاد، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۱۲. رتیز، جورج (۱۳۷۴) نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی.
۱۳. زاهد زاهدانی، سید سعید (۱۳۸۰) حاشیه نشینی، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه شیراز.
۱۴. ساروخانی، باقر (۱۳۸۲) روش تحقیق در علوم اجتماعی، جلد اول، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۵. سهامی، سوسن و احمدی، حبیب (۱۳۷۹) بزهکاری و خرابکاری، فصلنامه تازه های روان- درمانی، شماره ۱۷.
۱۶. شکویی، حسین (۱۳۶۵) جغرافیای اجتماعی شهرها، چاپ اول، انتشارات جهاد دانشگاهی تهران.
۱۷. غیاثوند، احمد (۱۳۸۷) کاربرد آمار و نرم افزار SPSS در تحلیل داده ها، چاپ سوم، نشر لویه.
۱۸. فولادیان، احمد (۱۳۸۵) حاشیه نشینی و انحرافات اجتماعی، فصلنامه تخصصی فقه و تاریخ تمدن، دانشکده الهیات دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، شماره ۹.
۱۹. کوئن، بروس (۱۳۷۰) درآمدی بر جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات فرهنگ معاصر

۲۰. مرکز آمار ایران (۱۳۸۵) سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵.
۲۱. مساواتی‌آذر، مجید (۱۳۷۴) آسیب شناسی اجتماعی ایران (جامعه شناسی انحرافات)، انتشارات نوبل تبریز.
۲۲. مشکانی، محمدرضا، مشکانی، زهرا سادات (۱۳۸۱) سنجش تأثیر عوامل درونی و بیرونی خانواده بر بزهکاری نوجوانان: آزمون تجربی نظریه ترکیبی کنترل اجتماعی و پیوند افتراقی، جامعه شناسی ایران، شماره ۱۴.
۲۳. موسوی، سید یعقوب (۱۳۷۸) تبیین تئوریک و جامعه شناختی جرایم شهری، ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۴۳ و ۱۴۴.
۲۴. مهاجرین، رضا (۱۳۸۷) تاثیر حاشیه نشینی بر میزان بزهکاری در کلان شهرها، چاپ اول، انتشارات جنگل.
۲۵. نصیری، معصومه (۱۳۸۲) اعتیاد و رابطه آن با مشاغل شهری، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۷۰.
۲۶. نیک اندیش، نسرین (۱۳۸۸) جغرافیای شهرستان آران و بیدگل، انتشارات مرسل.
۲۷. هومن، حیدرعلی (۱۳۷۶) شناخت روش علمی در علوم رفتاری، انتشارات سمت.

Amy k. and Mark J. Mc Donn (2005) *Selecting Independent Measure to Quantity, Melbourne Urban- Rural Gradient*, Lanurb, Plan Journal, No 5.

Asian Social Issues program (۲۰۰۱) <http://www.asiasource.org/asip/about>. CFM.

Coit, K. (1994) *Self – Help Housing for The Poor, A Cross, Cultural Study*, Cities, No 11.

Haralambos, M. Holborn, M. (1990) *Sociology: Themesand Perspectives*. London: Broadwick.

Hemmasi.M and Kessler.T (1997): *An Application of CIS to Spatial Determinants of Crime Rates in Fargo Proceeding of the North Dakota, Academy of Science*, Vol 51.

Henderson, J.V. (2003) *Urbanization, Economic Geography, and Growth*, Brown University Mimeo.

Montgomery, M. Stren, R. Cohen, B. (2003) *Cities Transformed Demographic Change and Its Implications in the Developing World*, National Academies Press.

McKay, C. and Shaw, H. (1962) *Ecological analysis of delinquency in Chicago*. In: Marvin, E. W. et al. (Eds.). The Sociology of Crime and Delinquency. New York: John Wiley & Sons.

Nahiduzzaman, kh. (2006) *Housing the Urban Poor: Planning, Business and Politics, A Case Study of Duaripara Slum, Dhaka city*, Bangladesh, Department of Geography, Faculty of Social Sciences and Technology Management, Norwegian University of Science and Technology (NTNU).